

تبیین رابطه گنبد مسجد و مراتب هستی در حکمت متعالیه^۱

مرتضی شجاری*

سونیا سیلوایه**

چکیده

گنبد مساجد چشم و دل را به بالا هدایت کرده و یادآور تعالی است. مرکز گنبد نماد وحدت و دیوارهای هشت وجهی که بر آن تکیه می‌زند، نماد نظمی آسمانی و پایه‌های چهار وجهی نماد جهان خاکی است. در این مقاله کوشش شده است تبیینی از گنبد بر اساس حکمت صدرایی ارائه گردد. در این حکمت عوالم به حس و خیال و عقل تقسیم می‌شود و گنبد مساجد تداعی کننده این عوالم است. مصالح فناپذیر گنبد که با چشم حس درک می‌شود یادآور عالم ماده است. دو شکل مکعب و کره در گنبد که از خیال هنرمند معمار پدید آمده شبیه عالم خیال است و حالتی است از جمع شدن که از پایه گنبد (کثرت) شروع می‌شود و به نوک گنبد (وحدت) می‌رسد که جمع و ثبات عالم عقل تداعی می‌شود. همچنان که ذات خداوند مبدأ عوالم هستی است، اگر کل فضای مسجد را همانند عالم در نظر بگیریم که هر جزء از مسجد را همانند مرتبه‌ای از مراتب در نظر بگیریم، به این نکته دست می‌یابیم که همانند این عالم، در مسجد نیز مبدایی وجود دارد، یعنی با عبور از در ورودی و حیاط به مبدا یعنی فضای گنبدخانه می‌رسیم که در گنبدخانه نیز، فضا به گنبد ختم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مسجد، گنبد، مراتب هستی، حکمت متعالیه، عوالم وجود.

* استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی (نویسنده مسئول)،
mortezashajari@gmail.com

** دانشجوی دکتری معماری دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، S.silvayeh@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴

۱. مقدمه

گنبد از نمونه‌های برجسته معماری دینی در طول تاریخ است و به‌کارگیری آن در مساجد چنان استادانه و هنرمندانه انجام شده که می‌توان آن را از ارکان کمال معماری مساجد اسلامی دانست. با توجه به اینکه اسلام دینی الهی و آسمانی است که برای هدایت انسان‌ها آمده است و از طرفی معماری مظهر تجلی اندیشه‌های انسان است و معماری مساجد اسلامی بیش از معماری هر بنای دیگری با غنی‌ترین ابعاد وجودی انسان در تعامل است، لذا پرداختن به اندیشه حاکم بر تفکر معمار مهم می‌باشد. معماری مسجد و تزئینات آن در گنبد، کتیبه‌ها، نقوش و ... فضایی را ایجاد می‌کند که باعث پیوند انسان با فضایی ملکوتی می‌شود. در مساجد است که می‌توان اوج اعتلا و شکوفایی هنر معماری مقدس اسلامی را جستجو کرد. در واقع مسجد به عنوان تجلی‌گاه خداوند در عالم ماده متشکل از اجزایی است که هر جزء آن نماد یکی از اسماء الهی است. به عبارتی فضایی معنوی و مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون است که می‌تواند در عروج انسان نقش به‌سزایی داشته باشد.

اسمای الهی در حکمت متعالیه موجودات عالم، یعنی تجلیات صفات الهی، هستند. این اسما دارای مراتبی هستند که در قوس نزول از اولین تجلی خداوند - حضرت احدیت - آغاز شده و به عالم کثرت (عالم ماده) می‌رسد و در قوس صعود از ماده آغاز شده و با حرکت جوهری به عالم تجرد و سپس با حرکت حبی به عالم احدیت می‌پیوندد.^۲ در واقع مراتب کلی عالم که تجلیات مختلف خداوند هستند را می‌توان در انسان و مراتب مختلف وی، یعنی قوای آدمی، مشاهده کرد که جلوه‌ای از این مراتب در هنر اسلامی و به خصوص در مسجد و گنبد آن قابل مشاهده است؛ زیرا بنا بر حکمت متعالیه آدمی جلوه کامل خداوند و امری ربانی و حقیقتی الهی است که صلاحیت دارد به حقایق تمام اشیا معرفت یابد. (ملاصدرا، ۱۳۶۲: ۴۸۴). جلوه خلاقیت خداوند در انسان هنرمند تحقق یافته و از این- روست که یک معمار مسلمان می‌تواند مراتب هستی را در گنبد مسجد متجسم سازد و آن را به منصف ظهور رساند.

مسأله اصلی این پژوهش تحلیل گنبد مسجد و تبیین آن بر اساس حکمت متعالیه است. گرچه سابقه ساخت مسجد و گنبد به زمانی دراز پیش از ملاصدرا باز می‌گردد؛ اما همچنان که عالم هستی سابقه‌ای طولانی پیش از ملاصدرا داشته و وی با فلسفه خاص خود چشم آدمیان را به دیدگاهی جدید از عالم هستی گشود، می‌توان با استفاده از این فلسفه تبیینی جدید از گنبد ارائه داد. پرواضح است که مسجد، بنایی است اسلامی و از این

دیدگاه، جلوه‌گاه همه رمز و رازهای معماری اسلامی به شمار می‌آید. این نوع بنا متشکل از عناصری است که به واسطه قداست آن، هر عنصر دارای معنایی روحانی است و در بین آن‌ها گنبد از نظر فضا و معنا یکی از مهمترین اجزاء مسجد می‌باشد که این عنصر می‌تواند نقش خود را در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نمادین در بنای مسجد به خوبی ایفا کند. بحث گنبد و چگونگی رابطه آن با مراتب هستی می‌تواند این تاثیر را در اذهان داشته باشد که گنبد شاخصه‌ای است که علاوه بر نقش کاربردیش یعنی پوشش سقف، نقش‌های دیگری از جمله تاثیر عمیق بر معنادار کردن فضا را نیز بر عهده داشته باشد و باید اذعان کرد برای اینکه معماری برطبق تفکر اسلامی تفاوتی با معماری غیراسلامی داشته باشد باید به شاخص‌های اعتقادی و فرهنگی آن نیز توجه ویژه‌ای شود که همواره یاد خدا را در اذهان زنده نگه دارد. لذا هدف از بررسی دقیق این بنا، شناخت عملکردها و مفاهیم نهفته در آن است که می‌تواند ما را به فهمی عمیق از کارکردهای فرهنگ اسلامی برساند. در روند این موضوع، سوالی که مطرح می‌شود این است که در صورت وجود ارتباط میان پیکربندی فرم مساجد و مراتب هستی در حکمت متعالیه، چگونه ارتباطی می‌تواند وجود داشته باشد؟ این ارتباط به چه صورت خود را نمایان می‌کند؟ با تفاسیری که در خصوص هدف این تحقیق ذکر شد برای رسیدن به این مقصود لازم است در ابتدا به مسجد و معماری آن اشاره‌ای شود، سپس به بحث مراتب هستی در حکمت متعالیه توجه شود و ادامه مسیر تحقیق طی شود که از این راه بتوان به سوال مورد نظر پاسخ داد.

در خصوص روش تحقیق می‌توان گفت که موضوع مورد بررسی یکی از مباحث مهم در فلسفه و عرفان نظری و معماری اسلامی است، در بخش نظری با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع موجود سعی می‌شود که به گردآوری اطلاعات و داده‌ها درخصوص گنبد به‌عنوان یکی از شاخص‌های مطرح در معماری مسجد و همچنین به مباحث فلسفی مرتبط با موضوع مورد نظر در حکمت متعالیه توجه شود. به صورت تحلیلی نیز رابطه گنبد با مراتب هستی مورد بررسی قرار گیرد. لذا در این تحقیق براساس یک روش بررسی منطقی و تکنیکی تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به فرآوری مبانی نظری یعنی تعاریف و مفاهیمی از مسجد، گنبد و ...، پس از آن به تحلیل این مبانی و چگونگی آن از نظر ارتباط معنادار با مراتب هستی پرداخته شود.

در رابطه با ادبیات موضوع، پژوهش‌های نسبتاً زیادی به انجام رسیده است که می‌توان از آن‌ها بهره‌مند شد ولی در خصوص بررسی عنصر گنبد در معماری مساجد به صورت

دقیق با مراتب هستی در حکمت متعالیه با نظرگاه فکری ملاصدرا و اینکه آیا می‌توان بین این دو بخش شباهت‌هایی را یافت، کاری صورت نگرفته است ولی در زمینه بحث حکمت و در راستای بازنگری معماری سنتی با نگاهی به مفاهیم و حکمت‌های نهفته در آن، تاکنون مطالعاتی توسط اندیشمندانی از جمله سیدحسین نصر و نادر اردلان انجام پذیرفته است، علاوه بر این موارد، می‌توان از پژوهش آقای محمدرضا بمانیان (و دیگران)، پژوهش آقای بهروز عوض پور (و دیگران) و یا از پژوهش آقای علی ارشد ریاحی و صفیه واسعی نام برد، همچنین در همایش‌های بین‌المللی معماری باید پژوهش آقای محمداصداق شایق (و دیگران) را نیز ذکر کرد.

۲. مبانی نظری، بحث و یافته‌ها

۱.۲ مسجد و معماری آن

مسجد محل مواجهه انسان با کلمه الهی و ساختمانی است که در آن مؤمنان حضور الهی را احساس کرده و از فیض خداوند متعال بهره‌مند می‌شوند. چنین بنایی نقش بسیاری در زنده نگاه داشتن دین و دعوت مردم به سوی پروردگار دارد و به همین دلیل است که دارای اهمیت فوق العاده‌ای است. علاوه بر آن، مسجد در طول تاریخ اسلام مکانی برای حل و فصل بسیاری از اختلافات و نیز برگزاری بسیاری از مراسم بوده است و معماران هنرمند می‌کوشیدند تا با همه مهارت و کاردانی خود در ایجاد استحکام و زیبایی و فضای معنوی آن نقشی داشته باشند. (مقصودی، ۱۳۸۷: ۴۲-۳۷) مسجد، مرکز یکتا پرستی است که معماری آن از قرون اولیه اسلام تا به امروز تحولاتی را در خود داشته و به تدریج در ادوار اسلامی به تحقق کامل رسیده است، ورود اسلام به ایران و احتیاج به فضاهای عبادی، مسلمانان را بر آن داشت که مساجدی را بنا کنند.

در معماری یک مسجد، کارکردهایی را که از مسجد انتظار می‌رود مثل نمازگزاردن و امور ذیربط، را باید برآورده سازد. یعنی با احکام ظاهری و فقهی نماز متناسب باشد، ولی علاوه بر این تکلیف ظاهری نماز، امر باطنی آن یعنی موجبات معراج مومن را نیز باید میسر سازد. چنین نمازی نیازمند حضور قلب و جمعیت خاطر، دل شستن از کثرت و دل سپردن به وحدت و آرامش و رقت قلب است. فضای معماری توانایی ایجاد زمینه برای چنین حالت‌هایی را دارد. معمار در همه شئون مادی (شامل موضوع و عملکرد بنا، مواد و مصالح،

وجوه فنی و شرایط محیطی) به سیر از ظاهر به باطن می‌پردازد، متون دینی به ما می‌آموزند که متناظر با هر نیاز ظاهری جسم، روح انسان هم نیازی دارد، لذا معمار این سیر از ظاهر به باطن را، که معنای حقیقی ذکر و جوهر عبادت است در معماری خود متناسب با موضوع بنا تسری می‌داد. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۳). مسجد که بنای مذهبی اصلی اسلام است واجد کارکردهای متعددی است که والاترین کارکرد آن عبادت جمعی است. ساده‌ترین شکل مسجد از یک حیاط مرکزی تشکیل می‌شود با رواق‌هایی احاطه کننده در اطراف آن، که متصل به یک سرسرای سرپوشیده است. معماری مسجد تفاوتی که بین شلوغی و ازدحام بازار و آرامش و سکوت مسجد وجود دارد را به وضوح آشکار می‌کند، تغییر جهت به سوی مکه که غالباً به محض ورود به فضای یک مسجد ملاحظه می‌شود و بالاخره برای ورود به آن با عمل متواضعانه‌ای، کفش‌ها را از پای در می‌آورند، نشانگر انتقال از زندگی دنیوی به عالم روحانی است. (هیلن برنند، ۱۳۸۰). حقیقت امر این است که مسجد، بنای الگویی بوده است که عالی‌ترین سازه‌ها را در معماری اسلامی به وجود آورده است، زیرا با این نیت ساخته شده که باقی بماند، در حالی که بسیاری از بناهای غیرمذهبی، ساختاری سست داشتند.

تفکیک دوره‌های تاریخی مساجد: به دلیل اینکه مساجد در زمان‌های متفاوتی ساخته شده‌اند می‌توان آن‌ها را در بازه‌های تاریخی مختلفی جای داد و از یکدیگر تفکیک کرد، که این تقسیم‌بندی عبارت است از: ۱. از صدر اسلام تا عصر سلجوقیان: مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند که در محوطه‌ای مربع یا مستطیل شکل گرفتند. با مسدود کردن سه طرف آتشکده‌ها و ایجاد قبله‌گاه، از آن‌ها برای برگزاری آیین‌های مذهبی استفاده می‌کردند. ۲. از سلجوقیان تا پایان عصر تیموریان: در این دوره، ساخت و ساز بناهای گوناگون سرشار از تحرک بود. نقشه بناها اغلب چهار ایوانی و تزئینات مهم آنان آجرکاری و گچبری و کاشیکاری بود. ۳. از صفویان تا دوران معاصر: در این دوره، طراحی‌ها بسیار جامع و با فضای متناسب نسبت به سطح زیربنا بود. و همچنین شیوه‌های اجرایی بناها، از اصول فنی فراوانی برخوردار بود. (کیانی، ۱۳۸۷). با توجه به مطالعات صورت گرفته، دسته‌بندی‌های متنوعی را می‌توان در این خصوص نام برد که توسط محققین دیگری به انجام رسیده است و اینکه ذکر همه آنها خارج از حوصله بحث است لذا از بیان آنها صرف‌نظر می‌شود.

ضوابط مسجdsازی امروز: به طور کلی مساجد مدرن باید طبق اصولی ساخته شوند تا ضمن برآوردن نیاز اجتماعی، از چشمگیری و معنویت خاص خود بهره‌مند باشند تا از

این عظمت برای معنویت دین اسلام بهره‌گیری شود. شرایط عمومی مساجد عبارتند از: ۱. مسجد در اماکن پرجمعیت و آباد ساخته شود. ۲. مساجد در فواصل معین و دور از هم ساخته شوند. ۳. مسجد در کنار خیابان و یا کوچه‌های عریض اصلی و معابر پر رفت و آمد ساخته شود. ۴. مسجد در زمین گسترده و چشمگیری ساخته شود و در طرح و اجرای فضاهای جنبی دقت کافی به عمل آید. ۵. مسجد در مرکزیت شهر و محلات ساخته شود و فضاهای لازم دیگر در اطراف آن طراحی گردد. به طور کلی در مسج‌سازی مدرن سه اصل مهم مدنظر است: اصل طراحی، اصل اساس‌سازی و اصل نماسازی. (زمرشیدی، ۱۳۷۴). منظور از طراحی، مواردی است که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد و براساس اطلاعات و واقعیات و نیازمندی‌ها و اهداف، طرحی جامع ارائه شود. اینکه منظور از اساس‌سازی، همان مهندسی سازه است به گونه‌ای که قسمت‌های مختلف ساختمان براساس طرح مهندس طراح، محاسبه شود و در آخر اینکه منظور از نماسازی، توجه به مسئله زیبایی در طراحی و ساخت بناهاست. با رعایت این سه اصل، مساجد امروزی باید اولاً همانند بناهای مستحکم امروز از نظر سازه طراحی و ساخته شوند و ثانیاً جوابگوی نیازهای جامعه با توجه به اصول زندگی اجتماعی امروز باشند.

فضای کالبدی مسجد: در طراحی کالبد مساجد، از تناسب قوی هندسی استفاده شده است، طبق مطالعات صورت گرفته می‌توان اجزای کالبدی مساجد را با پانزده جز در نظر گرفت که عبارتند از: ۱. ورودی یا درآیگاه. ۲. کرباس یا هشتی. ۳. میانسرا و پیشگاه درونی مسجد (صحن). ۴. ایوان. ۵. پیشان یا ایوان سمت قبله. ۶. رواق. ۷. شبستان. ۸. گنبدخانه. ۹. مقصوره. ۱۰. طنبی. ۱۱. سرداب یا شبستان زیرزمینی. ۱۲. مهتابی. ۱۳. پیشخان یا جلوخان. ۱۴. مناره و گلدسته و ۱۵. برف انداز. (پیرنیا، ۱۳۸۴). در واقع مسجد، مجموعه‌ای است از هنرهای گوناگون که بر روی هم، فضا و مکان خاصی را پدید آورده‌اند. معماری آن متناسب با شرایط اقلیمی، مصالح مورد دسترسی و تحت تاثیر سنن و دیگر خصوصیات محلی شهروندان یا ساکنان هر منطقه شکل گرفته است. دین اسلام نیز رهنمودهایی در این زمینه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به سادگی بنای مسجد، به دور بودن از پیرایه‌های مادی، اصالت و محکم‌سازی بنای مسجد اشاره نمود. طراحی مسجد باید به گونه‌ای باشد که به تضاد میان فضای داخل و خارج توجه نمود. بدین صورت که اجزا و نقوش بنا در بیرون برای مشاهده و سیر در اشارات باشد و درون نیز، مکانی برای تفکر و مکاشفه در عالم درون باشد.

۲.۲ گنبد

در فرهنگ اسلامی گنبد تجلی زنده‌ای از جهان‌شناسی اسلامی است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۶۶۷). گنبد از چند بخش تشکیل شده است، در ابتدا پایه‌ای مربعی شکل است که با گوشه‌سازی‌ها و به تدریج تبدیل به دایره می‌شود. دو ویژگی ذاتی مربع یعنی ایستایی و ثبات آن را مناسب‌ترین صورت برای برپایی بناهایی قرار می‌دهد که مقرر است نماد ثبات باشند. مربع نماینده بی‌جنس‌ترین شکل‌ها و کمیت محسوب می‌شود در حالی‌که دایره نماینده آسمان، کمال و کیفیت به حساب می‌آید. (بلخاری قهی، ۱۳۸۵: ۵۰۸-۵۰۶). با معانی سمبولیکی، مفاهیم مرکز، دایره و کره نهفته در گنبد به تمامیت در عبور این روح از نوک گنبد سمبل وحدت است، این عبور و حرکت را می‌توان به طرف پایین و دارای انبساط به سمت کثرت یا به طرف بالا و دارای انقباض به سمت وحدت دانست. عنصر گنبد به عنوان یکی از سمبل‌های مهم در معماری مسجد است که وحدت در کثرت در آن به وضوح قابل مشاهده است. (حسینی و کاملی، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۴۷). گنبد در هم آمیزی هندسه با توازن راه، که به صورتی فضایی است نه خطی، نشان می‌دهد. گنبد در معماری اسلامی چهره‌ای دیرینه داشته است، این امر به ویژه در معماری آجری ایرانی نیز بوده که این شیوه به تکامل رسیده و دارای برخی اصول فنی نیز گشته است که آن را از نظایرش در هنر غرب ممتاز ساخته است. گنبد با با روح منطبق می‌شود که از نقطه اولی و کانون وجود برمی‌خیزد. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۸۶). به طور کلی اصلی‌ترین ساحت مسجد، فضای گنبدخانه است که جلوه‌گاه جمال خداوند است و مشاهده آن از پس روزنه هشتی میسر می‌شود و نمازگزار همه مسیر جلوخان، پیش طاق درگاه تا هشتی ورودی را طی می‌کند و در نهایت هنگامی که به حیاط می‌رسد گنبدخانه را به مثابه مرکز بنا می‌یابد.

نقش گنبد در مساجد: بیان معنویت و روحانیت برای حواس انسان ممکن نیست، لذا انسان همواره در پی یافتن راه‌هایی برای بیان، نمایش، انتقال و ادراک این موضوعات بوده است. در این مسیر یکی از اصلی‌ترین ابزار جهت انتقال و بیان معنا و معنویت، استفاده از هنر است. نمونه‌های بارز این موضوع یعنی پرداختن به هنر در شعر، خوشنویسی، موسیقی، نقاشی و در معماری می‌توان ملاحظه کرد، که در بحث معماری، در برخورد با طاق‌ها و گنبدها که از اجزای معماری ایرانی محسوب می‌شوند، حضور معنویت قابل استناد می‌باشد. طبق نظر گنون، گنبد شکلی است که تصویرپردازی زنده و حیاتی دارد. فرم‌های گنبدی شکل همواره در ذهن بیننده یکی از قدرت‌های آسمانی به شمار می‌آید که در دل

آنها معنای هستی نهفته است که آن را می‌توان با تعریف عالم کبیر و صغیر دریافت. (گنون، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۲). به طور کلی گنبد علامتی است برای مسجد که نقش مونومانی، معنایی و شکوه سازی دارد که واجد تصویرپردازی زنده و حیاتی است، به گونه‌ای که در طول تاریخ، فرم‌های گنبدی همواره از قدرت‌های متفاوتی به شمار می‌آمده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که ساخت گنبد صرفاً برای احتیاجات مکانیکی و فنی نبوده و برآوردنده احتیاجات معنوی و روانی نیز به شمار می‌رفته است.

پیشینه گنبد: در ایران، پوشش گنبدی دارای سابقه‌ای دیرینه است. پیشینه آن را به عهد اشکانی رسانده‌اند، ایرانیان برای جامه عمل پوشاندن به توصیه‌های پیامبر، آسمانه یا گنبدی شبیه آسمان بر فراز سر مسلمین برپا داشتند. ساخت گنبد در دوره اسلامی با نظمی دقیق و با به کار بردن شیوه‌های صحیح صورت می‌گیرد. گرچه در گوشه‌سازی‌ها از اوایل دوران اسلامی تا کنون تحولاتی چند صورت گرفته است اما روش گنبدسازی در ایران همواره ویژگی اجرایی و فرهنگی خاص خود را دنبال کرده است. (احمدی ملکی، ۱۳۷۸: ۲۰). ایرانیان برای جامه عمل پوشاندن به توصیه‌های پیامبر، آسمانه یا گنبدی شبیه آسمان بر فراز سر مسلمین برپا داشتند. ساخت گنبد در دوره اسلامی با نظمی دقیق و با به کار بردن شیوه‌های صحیح صورت می‌گیرد که در عهد سلجوقی به نهایت پیشرفت خود می‌رسد و در عصر صفویه زیبایی نیز افزوده می‌گردد. نخستین گنبد پس از اسلام را می‌توان به سال ۳۹۷ هجری قمری در گنبد قابوس دید. گنبدسازی در ایران همواره ویژگی خاص خود را دنبال کرده است، بدین صورت که پلان مربعی از طریق گوشه‌سازی‌هایی به بهترین صورت به گنبد تبدیل شده است. شکل گنبد به وحدت و نرمی محیط کمک می‌کند، این امر می‌تواند پاسخگوی مناسبی به نیاز وحدت در نماز باشد. (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۲-۲۸). به طور کلی می‌توان گفت، استفاده از گنبد علاوه بر اینکه در بناهای فرهنگی و مذهبی به عنوان یک نشانه و شاخص معماری-شهری و فرهنگی محسوب می‌شود، در دیگر بناها نیز به عنوان نمادی معماری از موضوعات مهمی است که ذهن معماران ایرانی را به خود مشغول ساخته است. به کارگیری گنبد در بناهای سنتی مذهبی با چنان استادی مهارتی انجام شده که بسیاری از معماران ایرانی بهره‌گیری از گنبد در ساخت یک بنا را نوعی کمال معماری آن می‌دانند.

مرکزیت در گنبد: در گنبد شاخص‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود حس مرکزیت در آن تجلی پیدا کند. این شاخص‌ها به دو دسته مفهومی و نمادین تقسیم می‌شوند.

شاخص‌های مفهومی در درون آدمی به وقوع می‌پیوندد؛ یعنی شاخص‌هایی هستند که به دیده نمی‌آید، بلکه تحول را در درون بیننده اثر ایجاد می‌کنند. ولی شاخص نمادین، که واضح و روشن هستند؛ یعنی اینکه به محض ورود به مسجد، این شاخص با اثرشان در فرد بیننده مرکزیت را القاء می‌کنند. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱. نور: در مساجد یکی از اموری که به آن توجه می‌شود به منصفه بروز رساندن تجلی و تلالو نور در مرکز است که بدان وسیله ماده‌زدایی، جهت تاویل آن جهانی بودن و گستره بی‌پایان فضا به نمایش گذاشته شود. ۲. درونگرایی: درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه‌ی تفکر، تعمق و عبادت به منظور یافتن آرامش اصیل در درون به نظامی موزون و متعالی رسیده است. ۳. سکون و آرامش: در این زمینه نصر (۱۳۷۵) معتقد است که در فضای مسجد سکون و آرامش آن متجلی‌کننده‌ی حضور آرامش بخش «کلمه الله» است که در همه جای مسجد طنین دارد. ۴. دایره گنبد: دایره کامل‌ترین شکل هندسی است و از هر جهت نسبت به مرکز قرینه است. نقطه در مرکز دایره، دربردارنده‌ی تمامیت و یکپارچگی شعاع‌ها و خطوطی است که از مبنایی مشترک و هماهنگ با یکدیگر نشأت می‌گیرند. تمامیت و یکپارچگی این خطوط در این نقطه مرکزی در اوج کمال خویش است. ۵. محور عمودی: توجه به محوریت عمودی که حول یک مرکز به فضاها انسجام می‌بخشد، از جمله ساختارهای نظام فضایی عالم می‌باشد، مرکز با تمثل به محور عمودی، سیر صعودی را محقق می‌سازد.

گنبد، چشم و ذهن را به یک سمت می‌برد و ارتفاع بلند آن، تعالی را یادآورد می‌شود. مرکز گنبد نماد اصل وحدت و در سطحی پایین‌تر نماد روح است و دیوارهای هشت وجهی که بر آن تکیه می‌زند، نماد نظامی آسمانی و پایه‌های چهار وجهی نماد زمین و جهان خاکی است. (همان). بنابراین می‌توان گفت که توجه خاص به اشکال گنبدی در طراحی و ساخت، صرفاً جهت احتیاجات مکانیکی و فنی نبوده، بلکه برآورنده توقعات و احتیاجات معنوی به شمار می‌آید.

۳.۲ مراتب هستی در حکمت متعالیه

حکمت متعالیه، یکی از سه شاخه فلسفه اسلامی و به منزله مکتب خاصی از حکمت اسلامی است که توسط ملاصدرا بنیان گذاشته شده است. ملاصدرا، حکمت متعالیه را نظم دهی عقلی به جهان، به میزان توان آدمی در تشبیه شدن به باری تعالی معرفی می‌کند. با

تعمق در معماری سنتی ایرانی، کم توجهی به اصول و تفکر ویژه پنهان در حکمت اسلامی ایران آشکار می‌گردد که این می‌تواند موجب بیگانگی معماری معاصر ایران با بنیادهای مفهومی آن شود. لذا برای ظهور این مفاهیم در بناهای معاصر، واکاوی در اصول معماری سنتی و بازشناسی اهدافی که در راستای حفظ ارزش‌های مفهومی استخراج شود، لازم است. برای بررسی و شناخت مفاهیم مستتر در معماری اسلامی می‌توان از دیدگاه هستی-شناسی ملاصدرا که در حکمت متعالیه مطرح شده است استفاده کرد.

تفاوت هستی‌شناسی ملاصدرا با فلسفه‌های پیش از وی در مبانی خاص حکمت متعالیه مانند اصالت وجود، وحدت وجود، حرکت جوهری و رابطه علت و معلول است. بر اساس اصالت و وحدت شخصی وجود^۳، حقیقت اصیل، یک وجود (حق تعالی) است و تمامی عوالم جلوه‌های مختلف آن یک حقیقت و معلول او هستند. از نظر ملاصدرا عوالم هستی به سه عالم کلی تقسیم می‌شود: عالم عقل، عالم خیال یا مثال و عالم ماده که مبدأ این عوالم ذات خداوند است. پایین‌ترین مرتبه هستی عالم ماده است. اهمیت این عالم در حکمت متعالیه به خاطر ویژگی مهم آن، یعنی «حرکت» است که به معنای تغییر تدریجی، فقط در عالم ماده امکان‌پذیر است و این خصوصیتی است که موجب می‌شود آدمی به کمال رسد. از این رو دیدگاهی که عالم ماده را عالمی پست می‌داند، در حکمت متعالیه پذیرفتنی نیست. عالم ماده چنان که پیامبر (ص) فرموده (ورام، ۱۳۹۰)، بسان مزرعه برای بذر وجود آدمی است. عالم میانی در هستی که بین عالم عقل و عالم ماده است، «عالم خیال»، «عالم مثال» و «عالم برزخ» نامیده می‌شود. موجودات این عالم ماده ندارند، اما دارای آثار ماده (مانند شکل و بعد) هستند؛ شبیه آنچه ما در خواب و در عالم خیال خود می‌بینیم. این عالم در سیر نزولی هستی (آفرینش) و در سیر صعودی (بازگشت و معاد) واسطه بین عالم عقل و عالم ماده است؛ یعنی در آفرینش، معلول عالم عقل و علت عالم ماده محسوب می‌شود. این عالم چون علت عالم ماده است، از وجودی برتر از عالم ماده برخوردار است. عرفا و فیلسوفان نسبت این عالم را با عالم ماده، به نسبت این دنیا با دنیای جنین تشبیه می‌کنند. بنابراین عالم خیال عالمی حقیقی است که در آن حقایق اشیا به گونه‌ای میان تجرد محض و مادیت صرف قرار دارند. از این رو ملاصدرا موجودات این عالم را «مجرد مثالی» نامیده است که از سویی با موجودات عالم ماده وجه اشتراک دارند و از سویی دیگر شبیه عقول مجردند. عالم عقل عالمی است که بی‌واسطه از ذات حق تعالی ایجاد شده است. موجودات عقلی ماده و هیچ یک از آثار ماده را ندارند. این عالم، برترین جلوه ذات الهی و

علت عوالم بعدی است. موجودات این عالم، «عقول مجرد»، «عقول مفارق» و «مجردات تام» نامیده می‌شوند؛ همان موجوداتی که در متون دینی از آنها به «فرشتگان مقرب» یاد می‌گردد. مرتبه عقل در انسان، برترین جلوه نفس آدمی است که ویژگی‌هایی شبیه به عقول مجرد دارد. در این مرتبه است که نفس آدمی می‌اندیشد. از آنجا که اندیشیدن، نوعی آفرینش است، نفس را در این مرتبه می‌توان خالق افکار و اعمال اختیاری دانست.

صدرالمتالهین اثبات عالم عقل را از بزرگترین مطالب قرآنی دانسته است، بدان دلیل که آن عالم، محل بازگشت نفوس بندگان به ویژه عقول و ارواح پاک ماست. این عالم مجرد از ماده و خواص مادی است و عالم وحدت و جمع و ثبات است. (ملاصدرا، ۱۳۷۸). عالم عقول به لحاظ مرتبه وجودی دارای دو نوع کثرت طولی و عرضی اند، در کثرت طولی، عقول در طول یکدیگر قرار دارند و بین آنها رابطه علت و معلولی برقرار است اما در کثرت عرضی بین عقول رابطه علت و معلولی برقرار نیست، بلکه عقول عرضی از آخرین عقل به وجود آمده و همه در عرض هم و معلول یک علت واحدند. (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۲۳۲). باید به این امر توجه کرد که برای هستی سه مرتبه در نظر گرفته شده است، برای انسان نیز سه نوع ادراک عنوان می‌شود، ادراک حسی (حواس ظاهری قوایی هستند که امور خارجی را درک می‌کنند، انواع حواس ظاهری عبارتند از: حس بینایی، حس لامسه، حس چشایی، حس بویایی و حس شنوایی)، ادراک خیالی (ادراکات بیرونی انسان به وسیله حواس پنجگانه حاصل می‌شود و ادراکات درونی، شامل حس مشترک، خیال، حافظه، متخیله و واهمه است. خیال، خزانه صورت‌هایی است که از طریق حس مشترک وارد ذهن می‌شود و حافظه، خزانه مفاهیم و معانی است) و ادراک عقلی (شرط ادراک عقلی شی خارجی این است که حقیقت آن شی را از گونه وجود جسمانی به گونه وجود عقلی مجرد نماید).

۴.۲ شباهت گنبد مسجد با مراتب هستی

با در نظر گرفتن مراتب هستی می‌توان شباهت‌های گنبد مساجد را با آن بررسی کرد که در این مرحله برای بررسی چگونگی این شباهت‌ها، باید ویژگی‌های گنبد را در نظر آورد و آن را با ویژگی‌های عوالم ذکر شده در حکمت متعالیه مقایسه کرد.

عالم حس و مصالح گنبد: اولین موضوع مورد بحث، عالم حس (یا همان عالم طبیعت) است. در این خصوص ابتدا از گنبد ذکر می‌کنیم که جزئی از کالبد بناهای مختلف معماری است، از مواد و مصالحی تشکیل شده است که به طور معمول آکنده از کاشی‌کاری‌هایی

مزین به رنگ است و این حس بینایی انسان است که آن را درک و فهم می‌کند. می‌توان گفت گنبد عالم احساس در خود دارد که برای صدق این گفتار لازم است اینگونه ذکر شود که، عالم احساس مبدا و منشا عالم طبیعت (فناپذیر) است که توسط یک یا چند حواس، قابل احساس است که با درک محسوسات در این عالم قرار می‌گیرد لذا حواس جزء این عالم محسوب می‌شوند، پس گنبد که با یکی از این حواس (بینایی) قابل درک است و متشکل از مصالح فناپذیری همچون آجر و ... است، این مرتبه از عالم را در خود دارد.

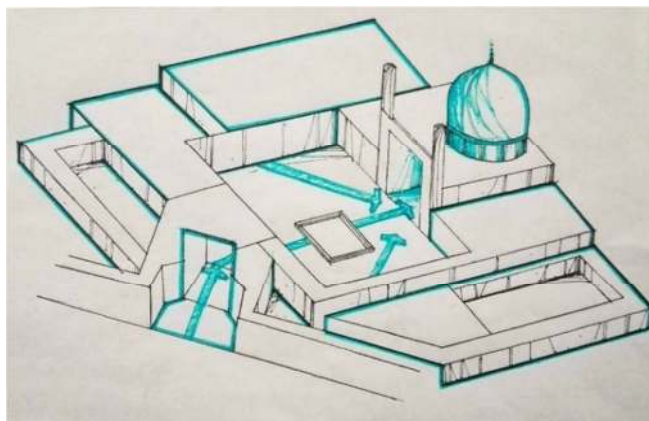
عالم خیال و هندسه گنبد: برای دومین موضوع مورد بحث باید اینگونه عنوان کرد که، شکل یک گنبد خلاصه شده‌ای از دو شکل هندسی مکعب و کره است. یعنی گنبد دستاوردی است از پلان مربعی یک مکعب که به صورت تدریجی با کره تلفیق شده که حاصل آن گنبد می‌باشد. گنبد دوار به نوعی نماد آسمان و مقصد عروج روح انسان نمازگزار و مربعی که در زیر آن قرار گرفته است، نماد عالم ارض و حدود است. لذا برای بررسی چگونگی رابطه عالم خیال با گنبد، مکعب و کره را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ۱.عالم مثال، ذاتش از دنیا جداست ولی در عین حال به آن تعلق دارد، در گنبد نیز این دو شکل هندسی در عین اینکه در بحث تشکیل گنبد در این عالم به طور واقعی وجود ندارند و از دنیا جدا هستند ولی به صورت خیالی در ذهن متصور می‌شوند که به نوعی به این دنیا متعلق‌اند. ۲.عالم خیال شباهت زیادی به قوه تخیل خیال انسان دارد، از طرفی برای گنبد هم همین حالت برقرار است، زیرا دو شکل مذکور از قوه تخیل است که حاصل می‌شوند. ۳. و از دیگر خصوصیات این عالم جمع متقابل‌ها و اضداد است که در آن اتفاق می‌افتد، که اگر در گنبد نیز به این دو شکل هندسی دقت کنیم، جمع اضداد در آنها به چشم می‌آید، یعنی علی رغم اینکه این دو به طور کامل با هم در تضاد نیستند ولی از جهات محدودی با هم متضادند، که از جمله اینکه مکعب دارای زوایای قائمه است ولی کره هیچگونه زاویه‌ای ندارد در حالی که این دو با یکدیگر نیز جمع شده‌اند و گنبد را ایجاد کرده‌اند، این همان حالتی است که در عالم خیال صورت می‌گیرد. (یعنی جمع اضداد). با ذکر این چند مورد می‌توان عنوان کرد که گنبد عالم خیال را نیز در خود دارد.

عالم عقل و گنبد: ۱.در این عالم از صورت‌های متمایز ماده خبری نیست بلکه صورت‌های عقلی خیلی از متفرق‌ها را متحد کرده و در خود جای می‌دهد یعنی عالم وحدت و جمع و ثبات است، حال اگر به گنبد دقت کنیم متوجه می‌شویم که حالتی از جمع شدن صورت می‌گیرد که از پایه گنبد (کثرت) شروع می‌شود و به نوک گنبد

(وحدت) می‌رسد، همان جمع و ثبات عالم عقل است که اتفاق می‌افتد، یعنی در گنبد نیز این عالم وحدت در اثر حرکت از پایه به نوک صورت می‌گیرد. ۲. علاوه بر این موضوع، این عالم شامل تحریک‌ها و شوق‌هایی است که در نفس ایجاد می‌شود، حال اگر به فضای تهی و خلا زیر گنبد دقت شود، به نوعی حس حضور روح خداوند را در دل زنده می‌کند یعنی هنگامی که کسی وارد یک مسجد می‌شود، همین تهی بودن و سادگی فضا، توجه را به سوی پروردگار که به چشم ظاهر نمی‌آید جلب می‌کند، علاوه بر این وقتی ذهن متوجه مرکز می‌گردد نوعی درونگرایی و مرکزیت حاصل می‌شود که نتیجه آن نیز همان یاد خداست که این زنده کردن یاد خدا در دل آدمی، باعث ایجاد نوعی شور و شوقی خاص است که در دل هر فرد مسلمانی امکان تجربه آن وجود دارد. با ذکر این دو مورد، می‌توان گفت که گنبد به نوعی مرتبه عالم عقل را نیز در خود دارد.

مبدا عوالم و مراتب و گنبد: ذات خداوند، مبدا تمامی عوالم است، یعنی هرعالمی جلوه‌ای از ذات حق تعالی است. چنین ذاتی همان حقیقت وجود نامتناهی است که هیچ حد و ماهیتی ندارد از این رو قابل شناخت عقلانی نیست. زیرا اندیشیدن و درک کردن چیزی، احاطه علمی یافتن بر اوست و آدمی که معلول خداوند است نمی‌تواند بر علت خود احاطه یابد. (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۳-۲۲). در این مسیر، برای رسیدن به ذات حق تعالی فقط می‌توان با سیر و سلوک عرفانی و فنای نفس به هدف دست یافت. ذات نفس آدمی نیز مبدا تمامی مراتب و قوای نفسانی است؛ یعنی هر مرتبه و قوه‌ای از نفس، جلوه‌ای از آن است همچنان که ذات خداوند مبدا تمامی عوالم است. (شجاری، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۰). از نظر ملاصدرا انسان مخلوقی است که از قوه حیوانی خلق شده که با حرکت جوهری خود در نشئات وجودی متعدد، مراحل نطفه‌ای، نباتی و حیوانی را پشت سر گذاشته است و سپس با دمیده شدن روح الهی به زیور فتبارک الله احسن الخالقین آراسته شده است، لذا ذات نفس با حرکت جوهری می‌تواند به مقام بی‌حدی که به آن مقام فوق مجرد می‌گویند نائل آید. (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۹۱-۲۸۰). پس توجه به این امر حائز اهمیت است که در نهایت مراتب عوالم، این ذات خداوندی است که در مبدا قرار گرفته و در نهایت قوای نفسانی این ذات انسان است که در مبدا قرار دارد، حال اگر این شرایط را به طور کلی در ساختمان‌های گنبد در آن واقع شده (یعنی مسجد) بررسی کنیم و کل فضای مسجد را همانند عالم در نظر بگیریم که هر جزء از مسجد (ورودی، حیاط، ایوان و ...) نیز همانند مرتبه‌ای از مراتب در نظر بگیریم، به این نکته دست می‌یابیم که همانند این عالم، در مسجد

نیز مبدایی وجود دارد، یعنی در نهایت با عبور از در ورودی مسجد و حیاط و ... قصد این است که مبدا یعنی فضای گنبدخانه برسیم که در گنبدخانه نیز، فضا آنجا به گنبد ختم می-شود.



تصویر ۱: گنبد: مبدایی برای مسجد (منبع: نگارندگان)

۳. نتیجه گیری

در این پژوهش، گنبد از دیدگاه حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گرفت، بدین صورت که مراتب هستی (سه عالم حس، خیال و عقل) هر کدام به طور جداگانه با گنبد مورد مقایسه قرار گرفتند. با توجه به ویژگی‌هایی که در هر کدام از این عوالم برقرار بود و با مقایسه‌ای که در گنبد صورت گرفت، شباهت‌هایی از این ویژگی‌ها در گنبد نیز قابل دریافت بود، یعنی همانطور که در بالا ذکر گردید، گنبد در جایگاه خود، هر کدام از این عوالم را به گونه‌ای نهفته در درون خود دارد. از طرفی در حکمت متعالیه اعتقاد بر این است که، مبدا تمامی سه عالم ذکر شده، ذات خداوند است و مبدا تمامی قوای نفسانی نیز، ذات آدمی است، در مسجد نیز اینگونه بیان شد که مبدا این بنا، همان فضای گنبدخانه و گنبد است. در توضیح این نظر می‌توان عنوان کرد که به نظر می‌رسد اصلی‌ترین ساحت مسجد، فضای گنبدخانه است (که مشاهده آن از پس روزه هشتی میسر می‌شود)، زیرا که فضای گنبدخانه قلب مسجد است که نمازگزار (با قصد عبادت) همه مسیر جلوخان، پیش‌طاق درگاه تا هشتی ورودی را طی می‌کند و در نهایت هنگامی که به حیاط می‌رسد گنبدخانه را به مثابه مرکز

بنا می‌یابد که در آنجا به عبادت پردازد. در کالبد گنبدخانه نیز، مربع نماد ارض و عالم و ملک و دایره نشانه آسمان و عالم ملکوت است (گنبد مظهري است از آسمان)، که حکایت از عروج و طی مراتب کمال را دارد. بنابراین اصلی‌ترین بخش گنبدخانه نیز همان گنبد می‌باشد. پس با تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در مسجد، این گنبد است که در مبدا قرار دارد، یعنی هنگامی که فردی وارد مسجد می‌شود، با عبور از درگاه و رواق و حیاط و ... مقصد او همان بخش گنبدخانه است که قصد عبادت در آن فضا را دارد. لذا مبدا تمامی اجزا مسجد و کنارهم قرار گرفتن این اجزا برای این منظور است که وارد شونده به گنبدخانه دسترسی پیدا کند که در گنبدخانه نیز، این گنبد است که حدنهایت و تکمیل کننده فضا می‌باشد. در پایان باید گفت که برای اینکه یک بنای معماری ماندگار باشد باید بعد وجودی معماری بر بعد ماهوی آن ارجحیت یابد. به عبارت دیگر در یک بنای شاخص معماری باید به دنبال به ظهور رساندن جنبه نامحسوس عالم معنا در امر محسوس ماهیت بود که برای رسیدن به این هدف، اصول مفهومی باید در قالب کالبد معماری جای گیرد، به عبارتی در یک بنای ماندگار معماری، شایسته است از عناصری نمادین و استعاره‌هایی برای الهام بخشی مفاهیم متعالی و جلب توجه مخاطب به وجود محض (نظیر آن‌که پیشتر در بحث گنبد و چگونگی آن ذکر شد) استفاده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از درس «حکمت معماری اسلامی» دوره دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در سال ۱۳۹۵ با راهنمایی نگارنده اول می‌باشد.
۲. برای آگاهی از حرکت حبی ر.ک به: شجاری، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۴.
۳. در بحث از «وحدت وجود» ملاصدرا ابتدا بر وحدت تشکیکی وجود برهان اقامه کرده است؛ قولی که واسطه میان قول به تباین موجودات (قول فیلسوفان مشایی) و قول به «وحدت شخصی وجود» (قول ابن عربی) است؛ اما وی در مباحث علت و معلول به تعبیر خویش فلسفه را تکمیل کرد و بر وحدت شخصی وجود برهان اقامه کرد (ملاصدرا، ۱۹۹۰، ج ۲: ۳۰۱).
۴. عوالم هستی در فلسفه مشائی منحصر به دو عالم حس و عقل است و شیخ اشراق عالم خیال را اثبات کرد. ملاصدرا را می‌توان به نوعی متأثر از شیخ اشراق و ابن عربی در اضافه کردن عالم خیال دانست. البته عالم خیال در عرفان ابن عربی معمولاً عالم ملکوت نامیده می‌شود (برای آگاهی از مراتب عالم در عرفان نظری ر.ک به: شجاری، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۵۲).

کتابنامه

- احمدی ملکی، رحمان. (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته حال-آینده، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- ارشاد ریاحی، علی. واسعی، صفیه. (۱۳۹۰)، «ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا»، نشریه مطالعات اسلامی؛ فلسفه و کلام، سال ۴۳.
- بمانیان، محمدرضا. جلوانی، متین. ارجمندی، سمیرا. (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان»، فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۹.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۵)، هنر اسلامی: زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۸۹)، مسجد ایرانی مکان معراج مومنین، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۵)، جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس اسلامی: از مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات رسانه پرداز.
- پورجعفر، محمدرضا، امیرخانی، آرین. لیلیان، محمدرضا. (۱۳۹۰)، معماری مساجد مدرن و معاصر، چاپ اول، تهران: انتشارات طحان.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۴)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش دانش.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۷۴)، مسجد در معماری ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- شایق، محمدصادق. پروا، محمد. حسینی، فرزانه. (۱۳۹۴)، «حکمت ساخت گنبد در مساجد»، همایش بین المللی معماری عمران و شهرسازی در هزاره سوم، تهران.
- شجاری، مرتضی. (۱۳۹۴)، انسان در حکمت صدرایی، چاپ اول، قم: انتشارات معارف.
- شجاری، مرتضی. (۱۳۹۵)، جزوه درسی «حکمت معماری اسلامی» دوره دکتری معماری اسلامی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز. دانشکده معماری و شهرسازی.
- عوض پور، بهروز. نامور مطلق، بهمن. محمدی خبازان، سائنا. (۱۳۹۳)، «تجلی حکمت صدرایی در معماری اسلامی»، فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۷۷.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۸۷)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- گون، رنه. (۱۳۸۱)، «معانی نمادین گنبد»، ترجمه فرزین فردانش، فصلنامه خیال شماره ۴.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی. (۱۳۶۲)، مبدا و معاد، ترجمه احمدبن محمد الحسینی اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- . (۱۳۶۳)، اسرارالایات، محمد خواجوی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- . (۱۳۷۱)، ترجمه مفاتیح الغیب، محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.

- . (۱۳۷۸)، رساله شواهد الربوبیه، حامد ناجی اصفهانی، تهران: انتشارات حکمت.
- . (۱۹۹۰)، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- مقصودی، غلامرضا. (۱۳۸۷)، سیر تحول معماری مساجد و مصالها از صدر اسلام تا کنون، چاپ اول، تهران: انتشارات شهیدی.
- حسینی، سیدباقر. کاملی، محسن. (۱۳۹۳)، «تأثیر عناصر کالبدی معماری مساجد سنتی و مدرن ایران بر ذهن کودکان»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره دوم، سال اول.
- نصر، سید حسین. (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات موسسه سوره.
- ورام، ابوالحسین. (۱۳۹۰)، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هیلن برند، رویرت. (۱۳۸۰)، معماری اسلامی: شکل - کارکرد - معنی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.